



اصول حاکم بر رودخانه های بین المللی با تأکید بر وضعیت حقوقی هیرمند

دکتر علیرضا عنابی¹

چکیده :

امروزه یکی از موضوعاتی که به عنوان کانون های تنش و بحران ساز در عرصه روابط بین المللی مطرح می باشد مسئله رودخانه های بین المللی است . پیشینه این بحث به دوران باستان بر می گردد زیرا نخستین تمدنهای در کنار رودخانه های مهم ایجاد و گسترش یافته است . با توسعه جوامع و نقش حیاتی آب این قضیه نمود و جلوه خاصی یافته است . بویژه در عصر حاضر با توجه به مرزبندی های سیاسی و کمیود منابع آب، رودخانه های بین المللی نقش و اهمیت فراوانی یافته اند، چنانچه تحلیلگران سیاسی معتقدند که جنگهای آینده بیشتر بر سر آب و منابع آبی خواهد بود. با توجه به مطالب فوق اصولی جهت حاکم بودن بر رودخانه های بین المللی مطرح و از سوی مراجع بین المللی مورد بحث و تأیید قرار گرفته است .

رودخانه مرزی هیرمند نیز با توجه به اهمیت و نقش حساسی که در توسعه شرق کشور دارد باید به طور دقیق و اساسی مورد توجه قرار گرفته و وضعیت حقوقی آن بررسی گردد .

دریاچه هامون و رودخانه هیرمند نه تنها یگانه منبع تأمین آب مورد نیاز برای آبیاری زمینهای کشاورزی شرق ایران است بلکه در زندگی مردمان این بخش از کشور نیز نقش اساسی دارد . از سوی دیگر کشور افغانستان به عنوان کشور بالا دست می تواند با مصرف بی اندازه آب بحران کم آبی در کشور پایین دست (ایران) ایجاد کند . به همین خاطر برای جلوگیری از هرگونه پیامد ناگوار و بحران ساز ، باید بر اجرای قراردادهای امضاء شده میان دو کشور پافشاری نموده و ضمناً تدابیر حقوقی سیاسی قاطعی در این خصوص اتخاذ نمود.

واژه های کلیدی : رودخانه بین المللی - حاکمیت - هیرمند - قدرت سخت - قدرت نرم.

¹ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مراغه



مقدمه :

رودخانه های بین المللی و اصول حاکم بر آنها یکی از مسایل مهم و حساس حقوق بین الملل می باشد. زیرا موجب چالش های بین المللی شده و حتی مخاصمات مسلحانه ای را هم در پی داشته است. مسئله کمبود منابع آب و نقش حیاتی آب در پیشرفت و توسعه مزید علت بوده است. کشور ما نیز یکی از کشورهای است که با کمبود آب روبرو است از سوی دیگر کشور ما با همه کشورهای همسایه مرز آبی (رودخانه ای) نیز دارد و این موضوع به یکی از مسایل تنش زا بین ایران و همسایگانش تبدیل شده است. نمونه بارز این موضوع، مسئله اروند رود و اختلافات شدید ایران و عراق در این زمینه می باشد.

رود هیرمند نیز به دلیل نقش حیاتی که در استان سیستان و بلوچستان دارد می تواند به یک کانون بحران در شرق کشور تبدیل شود. در این راستا ابتدا انواع رودخانه های بین المللی و اصول حاکم بر آنها مورد بررسی قرار گرفته سپس نقش و اهمیت رودخانه های مرزی هیرمند و وضعیت حقوقی آن مورد توجه قرار می گیرد.

الف- انواع رودخانه های بین المللی

این رودخانه ها بطور کلی به دو قسمت تقسیم می شوند:¹

۱- رودخانه های مرزی (مجاور) Boundary Rivers

۲- رودخانه های پی در پی (متوالی) Successive Rivers

۱- رودخانه های مرزی (مجاور)

رودخانه های مرزی شامل رودخانه هایی می شود که دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا می کنند و در واقع تمامی یا قسمتی از آنها مرز دو یا چند کشور را تشکیل می دهند. در خصوص این رودخانه ها مشکل اصلی اصولاً برسر تحدید حدود می باشد که اگر آن با رضایت دولت های مربوط حل گردد بقیه مسایل مربوط به رودخانه ها اصولاً به تبع آن انجام می شود. این تحدید حدود یا تقسیم رودخانه ها یا براساس سطح آب (خط وسط) یا عمق آب (تالوگ) یا بصورت حد مشترک (حاکمیت مشترک) می باشد. اصولاً رودخانه های مرزی به تقسیم بندی آبها نمی پردازند و این تقسیم بندی اساساً مربوط به رودخانه های متوالی است. اما در منطقه خاورمیانه معاهدات مربوط به دو رود مرزی « تجن » و « هیرمند » نسبت به بهره برداری کمی از آنها نیز تعیین تکلیف و به عبارتی سهمیه بندی کرده است.

۲- رودخانه های پی در پی (متوالی)

رودخانه ای را که از قلمرو یک یا چند کشور سرچشمه گرفته و پس از بهم پیوستن ، از خاک دو یا چند کشور عبور می کند را رودخانه پی در پی یا متوالی می گویند. بنابراین همانگونه که از تعریف استنباط می شود یک یا چند کشور به طریقی با چنین رودخانه ای مربوط می شوند و عبارتی در آن ذینفع هستند. آنچه در این گونه رودخانه ها مورد نزاع و اختلاف قرار می گیرند معمولاً مسأله مرز نیست بلکه میزان استفاده از حجم آب و به عبارتی سهمیه بندی در خصوص آبهای آنهاست. زیرا در رودخانه های مرزی (مجاور) چگونگی تحدید حدود آنها مسأله اصلی را تشکیل می دهد ولی در رودخانه های پی در پی (متوالی) مسأله تعیین مرز ساده است همان مرز خشکی مرز آبی را تشکیل می دهد. اما آنچه در این رودخانه ها مهم است بویژه در مناطق خشک و کم آب

¹ - موسوی، سید فضل ا...، حقوق رودخانه های بین المللی



که استفاده های آب غیر از کشتیرانی است و مخصوصاً برای آبیاری است سهمیه بندی براساس حجم آب (متر مکعب در ثانیه) مشکل اصلی را تشکیل می دهد. البته در خصوص رودخانه های متوالی که بیشتر و صرفاً مسأله کشتیرانی دارند نظیر رودخانه های معروف « دانوب » و « راین » در اروپا مشکل بسیار کمتر است و معمولاً قراردادهای فیما بین کشورهای مربوط در جهت ایجاد کمیسیون های مشترک برای امور مربوط به کشتیرانی و نظارت بر آن و نیز مسائل مربوط به لایروبی و جلوگیری از آلودگی های آنها تکلیف مسائل مربوط را روشن می نماید.

ب - اصول حاکم بر رودخانه های بین المللی^۲

۱- اصل حاکمیت سرزمینی مطلق

به موجب این اصل آن قسمت از رود بین المللی که در سرزمین دو کشور جریان دارد به عنوان آبهای داخلی تلقی می شود و دولت مذکور می تواند جریان آب را منحرف سازد و یا به هر صورت که ضروری بداند دخالت نماید.

هاتین در این مورد می گوید: « هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه می توانند جهت بهره برداری از آب رودخانه به تنهایی جریان آب رودخانه را منحرف کنند».

اصل حاکمیت مطلق که به دکترین « هارمون » نیز معروف است در روابط بین دولتها ایجاد هرج و مرج می کند. علاوه بر آن ، اصل مذکور برخلاف عدالت و انصاف بوده و به همین جهت مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است. به عنوان مثال فوشیل به تفصیل این مسأله را مورد بررسی قرار داده و تأکید کرده است که کشور ساحلی رودخانه نمی تواند به اقدامی مبادرت کند که منجر به تغییر مسیر رود گردد و یا در جریان آزاد آب رودخانه مانعی به وجود آورد. در این مورد می گوید: « هیچ کشور ساحلی نمی تواند محل ورود رود را به سرزمین کشور ساحلی دیگر ، بدون رضایت آن کشور تغییر دهد. چنین امری به منزله تغییر سرزمین آن کشور است.»

لوتر پاخت نیز همین نظر را دارد و هر چند حقوق حاکمیت هر کشور را در حوزه رودخانه در داخل سرزمین خود تأیید می کند ولی هرگونه اقدامی را که موجب وارد شدن خسارت به کشورهای ساحلی دیگر رودخانه شود غیرقانونی می شمارد. به طور کلی در حال حاضر اصل حاکمیت مطلق یک کشور بر روی رودخانه، توسط اندیشمندان حقوق بین الملل و دولتها رد شده است. امروزه اصول و مقررات حقوق بین الملل وجود چنین حقی را که کشوری بتواند وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان کشور دیگر تغییر دهد نفی می کنند.

۲- اصل تمامیت ارضی مطلق

به موجب این اصل، دول ساحلی رودخانه موظفند اجازه دهند جریان طبیعی آب رودخانه ها ادامه یابد و به هیچ وجه حق ندارند موجبات انحراف آب رودخانه ها را فراهم نمایند .

ماکس هوپر و اوپنهایم از طرفداران این اصل هستند. اوپنهایم در این باره می نویسد :

« تغییر دادن جریان آبهای مشترک تحت اختیار یکی از دول مجاور آب نیست. زیرا این قاعده بین المللی است که هیچ دولتی نمی تواند وضع طبیعی کشور خود را به نحوی تغییر دهد که موجب زیان کشور مجاور شود . مثلاً جریان آب رودخانه ای را که در کشور همسایه جریان دارد متوقف و یا منحرف نماید . »

^۲ - جعفری ولدانی ، اصغر ، ایران و حقوق بین الملل.



ماکس هوپر نیز با اوپنهایم هم عقیده است و به دولتهایی که به اتکای حاکمیت مطلق بر سرزمین خود به منافع سایر دولتها زیان وارد می کنند تاخته است. به نظر وی هر گونه تغییر مسیر رود ها که به حقوق مکتسبه دول دیگر زیان وارد نماید غیر قانونی است.

۲- اصل استفاده مشترک از آبها

به موجب این اصل کشورهایی که در ساحل یک رودخانه بین المللی واقع شده اند نسبت به آن رودخانه دارای حق مالکیت مشترک هستند. به عبارت دیگر تمام کشور های مذکور می توانند از آب رودخانه بطور متساوی استفاده کنند. بر اساس اصل مذکور یک رودخانه بین المللی - بدون توجه به مرزهای ما بین کشور ها - یک واحد اقتصادی محسوب شده و آب آن متعلق به تمام کشور های ساحلی است.

مریگ ناک در این مورد می گوید که وقتی رودی بین المللی از سرزمین چند کشور می گذرد. تابع حقوق مالکیت و حاکمیت کشور های مذکور است و هر کشوری در اعماق حقوق خود باید حقوق سایر کشورها را نیز در نظر داشته باشد.

۳- اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها

بموجب این اصل، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه با توجه به وظایفی که آنها طبق حقوق بین المللی بر عهده دارند محدود است. به عبارت دیگر حاکمیت هر یک از کشور های ساحلی رودخانه محدود به وارد نکردن خسارت به کشور ساحلی دیگر است.

اسمیت حقوقدان انگلیسی که تحقیقات گسترده ای در این مورد انجام داده معتقد است که حاکمیت و صلاحیت ملل محدود به وارد نیابردن خسارت است. وی اظهار می دارد که هیچ یک از دول ساحلی رودخانه حق ندارند از آب رودخانه بدون مشورت با دول مجاور به طریقی استفاده کنند که موجب وارد آمدن خسارت به منافع قانونی دول مذکور گردد.

کاراتدوری یکی دیگر از حقوقدانان، معتقد است که دولتها هیچگونه دخالتی در پیدایش رودها نداشته اند و بنابراین نمی توانند بر آن حاکمیت مطلق داشته باشند و با تغییر مسیر آن موجبات وارد آوردن خسارت و ضرر و زیان به دول دیگر را فراهم آورند.^۳

امروزه اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها به عنوان یک اصل کل حقوقی و یک واقعیت جهانی کنونی پذیرفته شده است. بررسی قراردادهای بین المللی، عقاید علمای حقوق بین الملل، احکام دادگاههای بین المللی و تصمیمات متخذة توسط سازمانهای بین المللی بیانگر آن است که دولتها دیگر به هیچ وجه اصل حاکمیت ارضی مطلق را قبول ندارند و در مورد رودخانه های بین المللی بر اساس اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها رفتار می کنند.

رودخانه مرزی هیرمند:^۴

هیرمند یکی از حساسترین رودخانه های مرزی ایران است که از رشته کوههای هندوکش و بلندیهایی بابایغما در ۴۰ کیلومتری غرب کابل سرچشمه می گیرد و از جنوب باختری کابل پس از پیوستن به رودخانه دیگری به نام ارغنداب، وارد دشت مارگو می شود و در ادامه کار در بند کوهک در ۳۶ کیلومتری جنوب خاوری زابل وارد خاک ایران (مرز دو کشور) می شود و از این نقطه به دو شاخه سیستان و پریان تقسیم می شود که شعبه سیستان به خاک ایران می آید. هیرمند حوزه آبریز پهناوری دارد که اندازه آن در حدود ۱۵۰ هزار

^۳ - پیشین

^۴ - ملکی، بهنام، «رودخانه هیرمند و چالشهای پیش رو» اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۲۰۹-۲۱۰



کیلومتر مربع برآورد می شود. آبدهی آن در آغاز ورود به دشت در خاک افغانستان ۱۱ هزار و ۶۰۰ میلیون مترمکعب برآورد شده است که نیمی از این آبدهی پیش از رسیدن به مرز مشترک دو کشور، در خاک افغانستان با دو سد مخزنی که در ارغنداب و کجکی با گنجایش سه میلیارد مترمکعب ساخته شده است مهار می شود و اثر چشمگیری در آبادانی بخش های بیابانی افغانستان داشته است. طول هیرمند تا پیش از انشعاب در نقطه مرزی، یک هزار و ۵۰۰ کیلومتر و در برخی منابع یک هزار و ۴۰۰ کیلومتر ذکر شده است. عرض آن از ۲۰۰ تا ۹۰۰ متر تغییر می کند و عمق آن به ۳ تا ۴ متر می رسد. بارش در حوزه آبریز هیرمند اندک است و آب آن بیشتر از ذوب شدن برف در بلندیهای هندوکش تأمین می شود. بنابراین رژیم آن برفی - بارانی و آب آن همیشگی، ولی جریان آب نامنظم است. در حوزه آبریز هیرمند میانگین ۲۵ ساله ریزش های جوی (از ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۲) ۱۰۷/۴ میلیمتر محاسبه شده، ولی در سال های اخیر میانگین بارندگی سالانه کمتر از ۱۰۰ میلیمتر بوده است و از خشکترین نواحی کشور به شمار می آید. هیرمند در ردیف ۱۰ رودخانه بزرگ و با اهمیت قاره آسیا است و برای ایران اهمیت بسیار دارد. در واقع، هیرمند رگ زندگی سیستان بوده و حیات این استان با این رود ارتباط مستقیم دارد و از لحاظ اهمیت، با رود نیل در مصر قابل سنجش است. هیرمند همچنین منبع اصلی آب دریاچه هامون بشمار می رود. مقدار آبدهی آن به هامون به مراتب بیش از مجموعه رودخانه های دیگر است و در نتیجه کاهش آب هیرمند از اهمیت اقتصادی دریاچه هامون نیز کاسته شده است چرا که در گذشته، جدا از نقش مستقیمی که این رود در پیشرفت صنعتی و کشاورزی منطقه داشته، با تأمین آب هامون سبب رونق صنایع جانبی مانند ماهیگیری و صنایع دستی می شده است. همچنین، پس از ورود به ایران در سیستان، دلتای حاصلخیز و پر نعمتی را که زمانی «مصر ایران» نامیده می شده است ایجاد می کرده است. امروزه کارایی و حاصلخیزی این منطقه بعلت کمبود بارندگی و نیز کاهش آب های وارداتی به اندازه دلخواه نمی رسد و حتی با اقدامات افغانستان کار به جایی رسیده است که گاهی نیاز ساکنان منطقه به آب آشامیدنی را نیز تأمین نمی کند؛ البته نباید نقش بادهای محلی را نادیده گرفت. این بادهای با سرعت و گرمای زیاد، تسریع کننده تبخیر آب های سیستان بشمار می آیند. چنان که گفته شد، این رودخانه در طول مسیر به دو شاخه پریان و سیستان تقسیم می شود. شاخه سیستان بیشتر در ایران جاری است که دو سد انحرافی کهک و زهک در زابل با گنجایش آبدگیری به ترتیب ۲۳ و ۴۵ متر مکعب در ثانیه روی آن ساخته شده است. آب این سدها می تواند حدود ۶۵ هزار هکتار از زمینهای جلگه سیستان را مشروب سازد.

در سالهایی که مقدار آب سیستان چشمگیر بوده، دریاچه هامون نیز همواره پرآب بوده و بر اثر وزش بادهای موسمی محلی، آب دریاچه که کیفیت مناسبی نیز دارد در زمینهای پیرامون دریاچه پیشروی و به گونه ای این زمینها را آبیاری می کرده و بدینسان چراگاههای منطقه گسترش می یافته و منبع خوراک هزاران رأس دام منطقه فراهم می شده است؛ ولی امروزه که منطقه هامون دچار کم آبی شده، مراتع اطراف دریاچه از میان رفته و در نتیجه دامپروری کاهش یافته است.

نگاهی حقوقی به هیرمند^۵

پس از بسته شدن قرارداد پاریس در سال ۱۸۵۷ که به موجب آن ایران، دولت افغانستان را به رسمیت شناخت، اختلاف دو کشور بر سر آب رودخانه هیرمند پدید آمد. براساس بند ۶ قرارداد پاریس دو طرف پذیرفته بودند که انگلستان به هنگام بروز اختلاف، نقش میانجی داشته باشد. در سال ۱۸۷۳ برای نخستین بار ایران و افغانستان حل مشکل خود بر سر هیرمند را به انگلستان واگذار کردند. ژنرال گلد اسمیت، نماینده انگلستان پس



از بررسی های فراوان اعلام کرد: « هرکاری که افغانستان بخوهد روی این رودخانه انجام دهد ، باید با رضایت ایران باشد»

به علت پایبند نبودن افغانستان به رأی حکمیت، ایران باردیگر در سال ۱۹۰۲ از انگلستان درخواست رسیدگی کرد ولی ایران نتیجه اقدامات مک ماهان نماینده انگلستان را نپذیرفت.

اختلاف میان طرفین تا سال ۱۹۳۷ ادامه یافت. در آن سال ایران و افغانستان قرارداد کوکک را امضا کردند که بر پایه آن آب هیرمند از بند کمال خان بصورت نصف تقسیم می شد. جالب آن که این قرارداد نیز به اجرا در نیامد. در سال ۱۹۳۷ قرارداد کابل به امضای طرفین رسید که در آن، گذشته از نکته یاد شده ، مقرر شده بود افغانستان در اطراف بند کمال خان دست به کندن نهر نرزد و نیز هریک از طرفین از اقدامی که موجب اختلال در جریان آب برای طرف دیگر شود، بپرهیزد.

بر پایه نظر « کمیسیون دلتا» (که کارشناسانی از شیلی ، کانادا و آمریکا در آن شرکت داشتند) آب مصرفی سیستان نسبت به دیگر مصارف که پس از سال ۱۹۵۰ ایجاد شود، مقدم بود. ایران به دلیل آنکه کمیسیون، از اقدامات افغانستان پیش از ۱۹۵۰ چشم پوشی کرده بود، این نظر را نپذیرفت.

با وجود اختلاف میان دو کشور، افغانستان در سال ۱۳۲۰ سد کجکی در استان هلمند ساخت. با این کار اهالی سیستان زیر فشار قرار گرفتند و گرفتاریهایی به بار آمد. در نتیجه تلاشهای گسترده دولت ایران ، قراردادی در سال ۱۳۵۱ به امضا رسید که بر پایه آن مقرر شد سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب از آب رودخانه هیرمند وارد ایران شود. همچنین براساس جدول تنظیمی برای سالهای پراپی هیرمند ، قرار شد ۲۶ مترمکعب در هر ثانیه از آب این رودخانه وارد ایران شود و در مقاطع کم آبی ، سهم ایران کمتر از یک متر مکعب در ثانیه نباشد. نکته مهم آن است که در بند ج این قرارداد آمده بود: یک سال نرمال آبی ، سالی است که کل آب هیرمند ۵۶۶۷۷ میلیون مترمکعب باشد با این حساب در حالی که حق آب ایران بر پایه قرارداد ۱۹۳۷ یک دوم بود، طبق این معاهده ، ۳/۵ برابر کمتر شد.

بطور کلی یکی از انواع اختلافهای مرزی ، از تعیین مکان دقیق مرز سرچشمه می گیرد که معلول یکی از دو مورد زیر است:

- ۱- تفسیرهای گوناگون و گاه متضاد از اسناد قانونی؛
- ۲- تغییر مکان مرز طبیعی.

با توجه به اینکه رودخانه هیرمند در طول سده های متمادی به دلایل گوناگون از جمله کم و زیاد شدن آب در منطقه سیستان تغییر مسیر داده است، اختلاف ایران و افغانستان بر سر این رود ، از نوع دوم است.

جایگاه هیرمند در نظام امنیتی کشور^۶

استان سیستان و بلوچستان با وسعت نزدیک به ۱۸۱ هزار کیلومتر مربع در جنوب خاوری ایران، ۱۱/۴ درصد از کل مساحت کشور را تشکیل می دهد. تراکم جمعیت در منطقه سیستان ۳۳/۸ نفر در هر کیلومتر است.

از سوئی مسأله کم آبی یکی از موانع اساسی توسعه این استان به شمار می آید. از سوی دیگر، سیستان با افغانستان همسایه است که سالهاست گرفتار بی ثباتی بوده و نا امنی های بسیار برای ایران به بار آورده است؛ از

^۶ - پیشین



جمله مبارزه با قاچاق گسترده مواد مخدر، هزینه سنگینی بر دوش ایران نهاده است. اگر دولت کنونی افغانستان مانند طالبان از ورود آب هیرمند به ایران جلوگیری کند، آن گاه با مشکلات جدی رو به رو خواهیم شد. زیرا هیرمند به گونه ای جریان دارد که پس از آنکه کمابیش همه آب های افغانستان را گردآوری می کند، به سوی (جنوب) ایران می آید و دوباره از راه شילה شلاق به سمت افغانستان باز می گردد و به گودزره می ریزد. میان گودزره و هیرمند تنها یک رشته کوه وجود دارد و اگر از زیر این کوه تونلی کشیده شود، همه آب هیرمند به سوی این گود، جاری خواهد شد و دیگر آبی به سمت ایران نخواهد آمد. در آن صورت سیستم فلج خواهد شد، آب های زیرزمینی سراسر بلوچستان و خراسان جنوبی پایین خواهد رفت و باید اهالی شهرها و روستاهای منطقه از آنجا منتقل شوند و این آسیبی است سنگین و هراس آور. گفتنی است که با به پایان رسیدن پروژه سد کمال خان نیز شاهد چنین وضعی خواهیم بود.

مساله کم شدن حجم ورودی آب هیرمند به کشورمان با توجه به این نکته که بر پایه داده ها، حوزه هامون - هیرمند در میان حوزه های آبی کشور دارای یکی از طولانی ترین دوره های کم آبی (حدود ۸ سال) است می توان به اهمیت فراوان موضوع پی برد. اقدامات افغانستان در سد سازی روی هیرمند به کاهش شدید میزان متوسط آب ورودی این رودخانه ها به ایران انجامیده است.

میانگین دبی سالانه هیرمند در دهه ۱۹۹۰ از ۲ تا ۳ میلیارد مترمکعب برآورد شده بود. این دبی در سال ۱۹۹۰ معادل ۶ هزار مترمکعب و در سال ۱۹۹۳، ۳ هزار مترمکعب در ثانیه بود. در سال ۱۹۹۴ این مقدار به ۴۵ مترمکعب در ثانیه رسید که تنها ۱۵ مترمکعب در ثانیه به منطقه سیستم ایران وارد می شد.^۷

آمارها نشان می دهد در سال ۱۳۷۲ مجموع مصارف آبی حوزه هامون - هیرمند یک میلیارد و ۷۵ میلیون مترمکعب و از این مقدار ۱۴۰ میلیون متر مکعب آب زیرزمینی و ۹۳۵ میلیون متر مکعب آب سطحی بوده است. پیش بینی می شود که جمعیت این حوزه در سال ۱۴۰۰ با فرض ادامه یافتن روند رشد کنونی به یک میلیون و ۲۱۶ هزار و ۷۲۸ نفر برسد. همچنین برآورد می شود که در این سال مقدار آب های منطقه یک میلیارد و ۷۳۲ میلیون متر مکعب باشد که از این رقم، یک میلیارد و ۵۳۸ میلیون متر مکعب سهم آب های سطحی و ۱۹۴ میلیون متر مکعب سهم آب های زیرزمینی خواهد بود. بنابراین با توجه به اینکه در این سال مصارف شهری و روستایی، کشاورزی، آشامیدنی و صنعتی در این حوزه حدود ۴ میلیارد و ۱۳۱ میلیون مترمکعب برآورد می شود، با کمبودی معادل ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون متر مکعب در این منطقه روبرو خواهیم بود.^۸

نکته چشمگیری که می توان از این داده ها به دست آورد آن است که بیشترین منابع آبی کشور در این حوزه، آب های سطحی مانند رودخانه هاست که تأکیدی بر جایگاه ویژه هیرمند به شمار می آید. اگر بپذیریم که امروزه مفهوم قدرت در اذهان عامه تداعی کننده یک « قدرت سخت » (مانند تهدید، زور یا توان نظامی) است، شاید بتوان گفت از آنجا که در آینده نزدیک بویژه در مناطق کمابیش خشک جهان مانند خاورمیانه، دسترسی به منابع آبی یکی از فاکتورهای قدرت به شمار می آید و در واقع جنگ های دهه های آینده « جنگ آب » خواهد بود، کشوری که آب کافی با کیفیت خوب داشته باشد دارای گونه ای « قدرت نرم » خواهد بود، بویژه اگر سرچشمه رودهایی را در اختیار داشته باشد که میان چند کشور مشترک است. از این رو می توان نتیجه گرفت که افغانستان در این مورد ویژه از نوعی مزیت نسبی برخوردار است. به سخن دیگر، جدا از افزون

^۷ - پیشین
^۸ - پیشین



طلبی های احتمالی طرف مقابل که می تواند امنیت ما را از خارج تهدید کند، امنیت داخلی نیز با مخاطراتی روبرو خواهد شد.

از سوی دیگر ، هرچند تنش های قومی در میان ایرانیان بویژه در شرق کشور نادر است ولی باید پذیرفت که برخی کمبودها و فشارها و نیز برخی زمینه های بالقوه و بالفعل ناراضیتی در منطقه، از جمله مساله قاچاق مواد مخدر و... می تواند مشکل آفرین باشد. با توجه به کمبود شدید آب در استان، هیرمند نقشی حیات بخش برای باشندگان منطقه دارد و در واقع می توان آنرا عامل ثبات منطقه نامید؛ زیرا ضریب وابستگی سیستان به هیرمند تقریباً صد در صد است و هرگونه اختلال در جریان آب آن، زیانهای جبران ناپذیر در پی خواهد داشت.

موضوع از نظر زیست محیطی نیز در خور بررسی است . رژیم رودخانه هایی که به دریاچه هامون می ریزد نامنظم است و همین سبب نوسانهای بسیار در میزان و گستره ی پوشش آب دریاچه در طول سالهای متمادی شده است. این نوسان طیفی معادل یک هزار و ۲۰۰ کیلومتر مربع در مقاطع کم آبی و تا ۳ هزار و ۲۰۰ کیلومتر مربع را در زمانهایی که موجودی آب منطقه بالاست، در بر می گیرد. مساحت هامون ۴ هزار و ۶۰۰ کیلومتر مربع و عمق آن ۵ متر است . در عین حال هامون بزرگترین دریاچه آب شیرین در فلات ایران است. این دریاچه در گذشته بزرگتر بوده و در سالهای اخیر روز به روز از حجم و دامنه آن کاسته شده است به گونه ای که از لحاظ اقتصادی بر همه چیز در محیط پیرامون خود اثر گذاشته است. دریاچه هامون و رودخانه هیرمند نه تنها یگانه منبع تأمین آب مورد نیاز برای آبیاری زمینهای کشاورزی شرق ایران است ، بلکه در زندگی مردمان این بخش از کشور نیز نقشی بسزا دارد. موضوع بهره برداری روزافزون افغانستان از هیرمند در حال تبدیل شدن به یک فاجعه زیست محیطی در ایران است. از سوی دیگر ، افغانستان بعنوان کشور بالادست می تواند با مصرف بی اندازه آب بحران کم آبی در پایین دست (کشورمان) ایجاد کند یا با شهرسازی یا قطع درختان جنگلی احتمال طغیان رودخانه را افزایش دهد یا با تخلیه فاضلاب های شهری باعث آلودگی آب شود.

دریاچه هامون نقشی مستقیم در تنظیم اکو سیستم منطقه بازی می کند؛ از سوی دیگر هامون میتواند در گسترش چراگاه ها و در پی آن توسعه دامداری، رونق کشاورزی، ماهیگیری و صنایع جانبی وابسته به این بخشها، اثر گذار باشد .

باید توجه کرد که کاهش حجم دریاچه مشکلات مهمی در این زمینه ایجاد کرده و باعث شده است که هامون به چهار برکه جدا از هم تبدیل شود .

کاهش چشمگیر آب آبیگر اصلی هامون که در مرز ایران و افغانستان قرار دارد و نیز افزایش میزان شوری آب دریاچه که معلول کاهش میزان آب ورودی به آن است ، به مرگ پرندگان و آبریان منطقه انجامیده است .

نتیجه :

برخی از صاحب نظران، تازه ترین جنبه امنیت ملی را امنیت منابع محیطی می دانند و در تحلیل ریشه های درگیری، در مقایسه با ملاحظات مربوط به امنیت محیط زیست، بر مسأله امنیت منابع تأکید بیشتری دارند. با توجه به اهمیت و نقش رودخانه هیرمند، به ویه در زمینه توسعه و امنیت شرق کشور، برای جلوگیری از هر گونه رخداد ناگوار و بحران، باید بر اجرای قراردادهای امضاء شده میان دو کشور پافشاری کرد و موضع و سیاست روشن و قاطعی در این خصوص در پیش گرفت . نیز این نکته را باید در نظر داشت که هرگونه کوتاهی و بی توجهی نسبت به مسئله آب هیرمند پیامدهای منفی و زیانباری برای ایران خواهد داشت و در صورت ضعیف برخورد کردن، در عمل به اهرم فشاری تبدیل خواهد شد که در این شرایط حساس ، می تواند آسیب پذیری



کشور را افزایش دهد. از این رو منطقی به نظر می رسد که در برابر فشارها و چالش های بالقوه و بالفعل بعنوان نهاده های سیستم، ما نیز پس از سنجیدن ابعاد و جنبه های گوناگون مسأله، داده های متناسبی ارایه کنیم تا منافع ملی مان هر چه بیشتر تأمین شود.

گفتنی است که پس از فروپاشی طالبان، مقامات ایران در راستای حلّ و فصل مشکل هیرمند تلاش کرده اند. در این خصوص می توان به دیدار آقای خاتمی از افغانستان و سفر آقای حامد کرزای به ایران اشاره کرد که یکی از محور های اصلی مذاکرات ایشان رودخانه هیرمند و چگونگی حل مشکلات موجود در رابطه به بهره برداری از این رودخانه بوده است. به هر روی به نتیجه رسیدن وعده های مساعد دولت افغانستان، نیازمند پیگیریهای جدی و مستمر مقامات ایرانی (البته با استناد به مقررات و حقوق بین الملل و قراردادهای دو جانبه موجود) است.

Archive of SID



منابع (کتابها):

- ۱- افشین، یدالله، رودخانه های ایران، جلد اول، تهران: شرکت مهندسان مشاور جاماب(وزارت نیرو) ۱۳۷۳.
- ۲- جعفری ولدانی، اصغر، ایران و حقوق بین الملل، نشر پازینه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۳- کردوانی، پرویز، منابع و مسایل آب در ایران؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۴- ممتاز، جمشید، ایران و حقوق بین الملل، نشر دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶.
- ۵- موسوی، سید فضل...، حقوق رودخانه های بین المللی، نشر دادگستر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۹.
- ۶- میر حیدر، درّه، جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
- ۷- دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹.

مقالات:

- ۱- اسکوفیلد، ریچارد، « مناقشات مرزی در خلیج فارس »، گفت و گو، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۷۷.
- ۲- اسفندیاری، بهزاد، « هیرمند: از قرارداد پاریس تا قول کرزای »، روزنامه ایران، ۸۱/۷/۲۷.
- ۳- پاپلی یزدی، محمد حسین، « اهمیت ژئوپلیتیکی شرق و شمال شرق ایران »، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۷۵.
- ۴- جهانی، عباسقلی، « چالش های مدیریت در سال ها و دهه های آینده »، آب و توسعه، سال ششم، شماره ۱۸-۱۹، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.
- ۵- کیان فر، محمد، « بحران آب از دیدگاه منابع مشترک »، آب و توسعه، سال ششم.
- ۶- کیوان حسینی، سید اصغر، « پیامدهای بهران افغانستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران »، سیاست دفاعی، شماره ۲۱-۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.
- ۷- مجتهدزاده پیروز، « هیرمند و هامون در چشم انداز هیدروپولیتیک خاور ایران »، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دهم، شماره ۱۰۲-۱۰۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶.
- ۸- ملکی، بهنام، « رودخانه هیرمند و چالشهای پیش رو »، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲۰۹-۲۱۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۳.
- ۹- مندل، رابرت، « چهره متغیر امنیت ملی »، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.